

تأثیر انیمیشن‌های خشونت‌آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی‌گری نقش خانواده

سمیه بهمنی

دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

لیلا نیرومند^۱

استادیار گروه ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سمیه تاجیک اسماعیلی

استادیار گروه ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

چکیده

طبق آمارهای موجود، خشونت‌های تلویزیونی هر روزه در حال افزایش است. از آنجایی که در دهه اخیر در ایران، رسانه‌ها نفوذ زیادی پیدا کرده‌اند تأثیر آن به ویژه بر کودکان قابل بررسی است. بر همین اساس پژوهش حاضر بر آن است که رابطه میان تماشای انیمیشن‌های خشونت‌آمیز شبکه نهال با پرخاشگری کودکان با میانجی‌گری نقش خانواده بررسی کند. بر همین اساس، مبتنی بر روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته در پی تحقق اهداف پژوهش برآمدیم. جامعه آماری پژوهش ۴۲۳۰ نفر کودک ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در استان تهران هستند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۵۴ دانش‌آموز انتخاب شد. مبتنی بر روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ابتدا ۶ مدارس انتخاب و سپس به تعداد نمونه‌های منتخب در بین والدین آنان پرسشنامه توزیع شد. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و LISREL مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بر همین مبنای تحلیل عاملی و تحلیل معادلات ساختاری برای سنجش گویه‌ها و فرضیه‌ها به کار گرفته شد. نتایج بیانگر آن است که با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی و خصوصیت درونی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد ولی میزان تماشای انیمیشن تأثیری در پرخاشگری فیزیکی کودکان نداشته است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل به پرخاشگری فیزیکی، کلامی و خصوصیت درونی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: شبکه نهال، تمایل به پرخاشگری کلامی، قیامدشت، علاقمندی به تماشای انیمیشن

^۱ نویسنده مسئول: ln_niroomand@yahoo.com

مقدمه

آثار و پیامدهای خشونت در برنامه‌های رسانه‌های گروهی بویژه تلویزیون از جمله موضوعاتی است که مورد توجه جدی پژوهشگران امور رسانه، کارشناسان و متخصصان علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی و روانشناسی قرار دارد و پژوهشگران را به این نتیجه رسانده است که خشونت مشاهده شده از طریق تلویزیون، پیامدهای زیانباری را متوجه زندگی کودکان می‌سازد. البته باید متذکر شد که تاثیرگذاری محرک‌های خشونت‌آمیز بر رفتار، تابع شرایط و عواملی مانند ویژگی‌های فردی و اجتماعی مخاطب و همچنین قالب یا شکل ارایه برنامه‌ها است. چنانچه نتایج تحقیقاتی همچون بندورا و همکارانش (۱۹۸۲) نشان داد که تاثیرپذیری کودکان از برنامه‌های انیمیشنی در مقایسه با سایر قالب‌ها حتی برنامه‌هایی که توسط شخصیت‌هایی زنده اجرا می‌شود، بیشتر است (بندورا و همکارانش، ۱۹۸۲؛ به نقل از کارلسون و فایلیتزن^۱، ۱۳۹۰: ۹۶). بررسی‌هایی که درباره تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیونی صورت گرفته است، نشان می‌دهند که انیمیشن‌ها از جمله برنامه‌هایی هستند که به میزان قابل ملاحظه‌ای دارای عناصر خشونت‌آمیز هستند و از آنجا که کشور ایران در صنعت تولید انیمیشن در گام‌های ابتدایی است و تا دستیابی به شکوفایی و توسعه راهی طولانی در پیش رو دارد، بنابراین ناگزیر به خریداری و پخش انیمیشن‌های خارجی است که در بسیاری از آنها عناصر خشونت‌آمیز به وفور دیده می‌شود. به طوری که موسسه پژوهش انیمیشن در بررسی‌های خود روی بیش از ۴۳۰۰ کودک در چندین کشور جهان تعدادی از انیمیشن‌ها از جمله "تام و جری" را به عنوان انیمیشن‌های افزایش دهنده خشونت در کودکان معرفی کرده است (کتاب‌شناسی طنز خشن^۲، ۲۰۰۴). این در حالی است که در نتایج نظرسنجی‌های انجام شده در مرکز تحقیقات پیامگیران کودک این انیمیشن‌ها، انیمیشن‌های محبوب کودکان ایرانی هستند (حسینی، ۱۳۹۷).

علاوه بر این، امروزه انیمیشن‌های پرطرفداری در شبکه‌های تلویزیونی رسمی ایران از جمله شبکه نهال در حال پخش است که انیمیشن‌های افسانه سه برادر، شجاعان، صلح بانان، ماداگاسکار و ... از جمله آنهاست که حاوی صحنه‌های خشونت‌آمیز زیادی هستند و بارها نیز به عنوان محبوب‌ترین انیمیشن‌های معرفی شده توسط کودکان ایرانی عنوان شده‌اند. اما از آنجا که درک کودکان از

¹ Carlson and Filetzen

² <http://Modern-Psychiatry.Com/cartoon-research.htm> ادرس اینترنتی:

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده121

خشونت برنامه های تلویزیون عاملی مهم در تاثیرپذیری آنان از رفتارهای خشونت آمیز است، سوالی مطرح می شود که برنامه های خشونت آمیز از جمله انیمیشن ها چه تاثیری بر میزان پرخاشگری کودکان دارد؟

البته در این زمینه نمی توان نسبت به نقش خانواده در میزان تاثیرگذاری این انیمیشن ها بر پرخاشگری کودکان بی تفاوت بود. زیرا خانواده مبتنی بر آموزش ها و تفسیرهایی که از انیمیشن ها به کودکان ارائه می دهد می تواند تفاسیر آن را برای کودکان متفاوت تلقی کند. بنابراین در این پژوهش به تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز شبکه نهال بر میزان پرخاشگری کودکان با نقش خانواده در شهر قیامدشت را مورد بررسی قرار می دهیم. از این رو کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت به عنوان جامعه مورد مطالعه قرار می گیرد که به صورت فزاینده رفتارهای پرخاشگرانه این گروه سنی با تماشای انیمیشن ها خشونت آمیز از سوی خانواده های آنها به معلمان مدارس گزارش می شود. عظیمیان زواره (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که محتوای انیمیشن ها علاوه بر جنبه سرگرمی، علاقه کودک به یادگیری را نیز تقویت می کند. همچنین نتایج تحقیق وان دروت (۲۰۱۳) نشان می دهد، کودکان برنامه های واقع گرایانه را با احساس بیشتر و بی اعتنایی کمتر تماشا می کنند بنابراین تاثیر تلویزیون بر کودک به وضوح قابل مشاهده است. نتایج پژوهش کریمی و قویمی (۱۳۹۶) نیز همسو با عظیمیان زواره (۱۳۹۶) نشان می دهد که تلویزیون به عنوان یک وسیله آموزشی غیررسمی در امر یادگیری موثر است. علاوه بر این، رحیم زاد جدا (۱۳۹۵) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که تلویزیون بر الگوپذیری، نگرش، رفتار فردی، رفتار اجتماعی و یادگیری کودکان و نوجوانان تاثیرگذار است و سینگر^۱ و همکارانش (۲۰۱۹) نشان می دهد که رفتارهای خشونت آمیز در کودکانی که در طول روز، زمان بیشتری به تماشای تلویزیون می پردازند بیشتر است و این کودکان همواره تمایل بیشتری به تماشای تلویزیون از خود نشان می دهند. علاوه بر پژوهش های مذکور، تحقیقات ویلسون^۲ و همکاران (۲۰۰۸) نشان می دهد که تماشای صحنه های خشونی در تلویزیون اغلب جذاب و دارای وجهه است و چندین عامل می تواند امکان بروز پرخاشگری را در برنامه ها افزایش دهد:

- گناهکار و مجرمی که قیافه جذاب دارد.

¹ Singer

² Wilson

- خشونت‌ی که دارای دلیل موجه است.
- خشونت‌ی که بدون مجازات می‌ماند.
- خشونت‌ی که حداقل پیامد بد را برای قربانی دارد.
- خشونت‌ی که واقعی به نظر می‌رسد.

از آنجا که محققان همواره تأکید کرده‌اند که عوامل زیادی در بروز بررسی رابطه خشونت تلویزیونی با پرخاشگری و خشونت سهم دارند اما نتیجه‌گیری کلی آنها این بوده است که شیوه‌های ارائه خشونت در تلویزیون، خطرات پرآسویی برای کودکان در بردارد. در کنار این پژوهش‌ها، هلن نیک بخش (۱۳۸۹) در تحقیقات خود پایگاه اقتصادی اجتماعی (درآمد، تحصیلات، و شغل والدین) را در میزان تأثیرپذیری کودکان از خشونت تلویزیونی بی‌تأثیر عنوان کرده است. در حالی که نتایج تحقیقات فولادی‌راد (۱۳۹۱) برخلاف آن است و نشان می‌دهد؛ اولاً، تلویزیون نقشی قوی، گسترده و مستقیم در خشونت کودکان دارد. دوماً، نقش تحصیلات خانواده در میزان تأثیرپذیری کودکان از خشونت تلویزیونی موثر است و سوم اینکه کودکان در خانواده‌های پرتنش بیشتر از دیگر کودکان از خشونت تلویزیونی تأثیر می‌پذیرند. در پژوهش‌های خارجی نیز براساس نتایج پژوهش کریمار و ویرا^۱ (۲۰۱۸) تماشای برنامه‌های خشن تلویزیونی و تایید آن از سوی خانواده، خشونت را با سرعت بیشتری به رفتارهای واقعی در کودک تبدیل می‌کند. ویلبرشرام و لیل پارکر (۲۰۱۱) نیز در تحقیقات‌شان با این نتیجه که تحریک‌پذیری در تماشاگران تلویزیون زیاد است، امکان تأثیرگذاری منفی را بیشتر عنوان کرده‌اند. در واقع از نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان به این نتیجه رسید که پرداختن به تلویزیون و برنامه‌های خشونت‌آمیز بر پرخاشگری کودکان تأثیرگذار است ولی در پژوهش‌های داخلی، نقش خانواده در میزان پرخاشگری نادیده گرفته شده است در حالی که در برخی از پژوهش‌های خارجی (از جمله پژوهش کریمار و ویرا، ۲۰۱۸؛ سینگر و همکارانش، ۲۰۱۹) به نقش خانواده اهمیت بیشتری داده شده است این در حالی است که نقش خانواده‌ها در ایران پرننگتر به نظر می‌رسد زیرا نظام خانواده در ایران مستحکم و تأثیرگذارتر است.

¹ Krcmar and Vieira

تأثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده123

جرج گربرن^۱ (۱۹۸۱) در مورد تأثیر رسانه بر خشونت به کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می کنند و نیز به چگونگی تأثیرگذاری رسانه ها بر مخاطبان تأکید دارد. گربرن معتقد است که برنامه های خشونت آمیز و سرگرم کننده تلویزیون تأثیرات عمیق و مداوم بر مخاطبان می گذارد و این برنامه های تلویزیونی همانند بذری که کاشته می شود و سپس رشد می کند، آثاری بر روی مخاطبان باقی می گذارد که عموماً منفی است. فرض اساسی نظریه کاشت این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت پنداری در محتوا و برنامه های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد. وی معتقد است؛ رسانه ها به دلیل نظم و هماهنگی که در ارائه پیام در طول زمان دارند قدرت تأثیرگذاری فراوانی دارند؛ به طوری که باید آن ها را شکل دهنده جامعه دانست. گربرن بعدها در پاسخ به انتقادات وارده بر نظریه کاشت مبنی بر لحاظ نکردن سایر متغیرهای متداخل بر کاربران، این نظریه را مورد تجدید قرار داد و دو مفهوم «جریان اصلی»^۲ و «تشدید»^۳ را به این نظریه اضافه کرد که نشان می داد؛ جریان اصلی هنگامی رخ می دهد که میزان مواجهه با رسانه، به تقارن دیدگاه ها در گروه ها منجر شود و تشدید، زمانی روی می دهد که اثر کاشت در گروه خاصی از جمعیت بیشتر شود (سورین و تانکارد، ۱۳۹۴: ۳۹۲). وی معتقد است زمانی که شخص متغیرهای دیگر (میزان، نوع، مدت و ویژگی های فردی و اجتماعی) را همزمان کنترل کند، اثر باقی مانده که قابل انتساب به رسانه ای خاص باشد، نسبتاً کم است. براساس نظریه کاشت می توان استنباط کرد که میزان استفاده از نوعی از برنامه رسانه ها و واقعی تلقی کردن محتوای رسانه ها بر خشونت مؤثر است. افراد تحت تأثیر رسانه ها خشونت را یاد می گیرند و تحت تأثیر این رسانه ها نیز عشقی ماورایی را می بینند که همواره در پی آن هستند.

حال برای رابطه میان کارکرد خانواده و موقعیت خانوادگی کودکان با پرخاشگری از نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا وام می گیریم. بندورا براساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار را به صورتی که در موقعیت اجتماعی شکل می گیرد و تغییر می یابد، بررسی می کند. وی با تأکید بر این موضوع که تقریباً تمام رفتارها را می توان بدون تجربه کردن مستقیم، تقویت و یاد گرفت، معتقد است که از

¹ Gerbner

² Mainstream

³ Resonance

طریق تقویت‌جانشینی^۱ با مشاهده کردن رفتار دیگران و پیامدهای آن رفتار در رسانه‌ها یا در خانواده و جامعه، یاد می‌گیریم. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا در یادگیری خشونت در کودکان معتقد است که رفتار از دو طریق آموخته می‌شود، یا از طریق پاداش دادن به اعمال (یادگیری ابزاری) یا از طریق مشاهده آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران (مدل‌سازی). بنابراین، کودکانی که از هر طریق می‌آموزند که خشن باشند، شاید الگوی آموخته شده را در دوران بزرگسالی نیز ادامه دهند و پیامدهای سوء بر آینده آنها می‌گذارند. بر این اساس کودکانی که در معرض برنامه‌های تلویزیونی خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند رفتار خشن را یاد می‌گیرند (بندورا، ۱۹۸۲؛ نوابخش و خاقانی فرد، ۱۳۹۴: ۶۷). مطابق با این نظر بندورا باید اذعان داشت که کارکرد خانواده و موقعیت خانوادگی کودکان با پرخاشگری آنان رابطه دارد. براساس مطالب پیش گفته از نظریه پردازان (گرینر، بندورا و برکویتز) در زمینه بررسی تأثیرات رسانه‌های جمعی از جمله شبکه‌های تلویزیونی بر پرخاشگری، در این پژوهش متغیر مستقل «استفاده از انیمیشن‌های خشونت‌آمیز» (دو مولفه میزان و میزان علاقه) است که با واسطه «پایگاه اقتصادی و اجتماعی» و «کارایی» خانواده این کودکان بر پرخاشگری آنان سنجش شده است. که پرخاشگری در نقش متغیر وابسته دارای سه بعد «پرخاشگری فیزیکی»، «پرخاشگری کلامی» و «خصومت از دیگران» سنجش شده است و به شکل مدل مفهومی پژوهش در شکل (۱) به صورت زیر ترسیم می‌شود.



شکل (۱): مدل نظری پژوهش، برگرفته از کامینی و پرینکا^۲، ۲۰۱۶: ۷۳، با اندکی اصلاحات توسط محقق

¹ vicarious reinforcement

² Kamini and Priyanka

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده125

براساس چارچوب نظری مقاله این فرضیات استخراج می شود:

- با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.
- با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.
- با افزایش میزان تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.
- با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.
- با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.
- با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.
- پایگاه های اقتصادی- اجتماعی خانواده کودکان بیننده انیمیشن های خشونت آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه دارد.
- کارکرد خانواده کودکان بیننده انیمیشن های خشونت آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه دارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ روش، توصیفی، و به لحاظ اجرا، پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی است. روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق، پیمایشی بوده است. در روش پیمایشی از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. تحقیق پیمایش عبارت است از اجرای پرسشنامه ها روی نمونه ای از پاسخگویانی که از میان جمعیتی انتخاب می شوند (ببی، ۱۳۹۱: ۵۷۴). بنابراین با استفاده از روش اجرای پیمایشی ۸۰ سوال بر اساس فرضیه ها و متغیرهای اصلی و ۷ سوال براساس متغیرهای زمینه ای ترتیب داده شد و در اختیار پاسخگویان (والدین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت) قرار گرفت.

جامعه‌آماری: جامعه‌آماری پژوهش، کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در استان تهران هستند. با توجه به اینکه آماری مستقیم از سن این کودکان در دسترس نبوده است لذا به آمار مدارس رجوع شده است، مطابق با آمار رسمی در آموزش و پرورش، ۷۱۰۰ دانش‌آموز در کلیه مقاطع در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در حال تحصیل هستند که ۴۲۳۰ نفر از آنان در مقطع ابتدایی در حال تحصیل هستند که بر همین مبنا تعداد کل جامعه‌آماری ۴۲۳۰ نفر در نظر گرفته شد. حجم، شیوه و نوع نمونه‌گیری: با توجه به اینکه جامعه‌آماری پژوهش که تعداد کل جامعه‌آماری ۴۲۳۰ نفر در نظر گرفته شد. سعی شد با استفاده از فرمول کوکران، تعداد دانش‌آموزان انتخاب شوند و بر مبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مدرسه انتخاب شود و در بین والدین آنان پرسشنامه توزیع شود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۵۲ نفر محاسبه گردید. در واقع ۶ مدرسه انتخاب شد و از هر مدرسه ۵۹ یا ۵۸ نفر انتخاب شده و در جلساتی که در مدارس با والدین آنان برگزار شده است پرسشنامه در بین والدین توزیع شده است. تعریف عملیاتی متغیرها در قالب سه متغیر مستقل، میانجی و وابسته آزمون شد. متغیر مستقل (انیمیشن‌های خشونت‌آمیز): میزان استفاده از انیمیشن‌ها در پرسشنامه‌ای به صورت سه سوال کلی و در قالب دو مؤلفه بررسی شده است: الف) میزان استفاده کودکان از انیمیشن خشونت-آمیز شبکه نهال در شبانه روز حدود چند ساعت است؟ پاسخ این پرسش در یک طیف ۵ درجه‌ای (اصلاً نگاه نمی‌کند، کمتر از یکساعت، بین ۱ تا ۲ ساعت، بین ۲ تا ۳ ساعت، بیشتر از سه ساعت) سنجش شده است. ب) تا چه حدودی فرزند شما در شبانه روز به کارتون و انیمیشن شبکه نهال علاقه‌مند است؟ پاسخ این پرسش در قالب طیف لیکرتی (به صورت اصلاً، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) سنجش شده است. متغیر میانجی (کارایی خانواده): کارکرد خانواده نیز به معنای توانایی خانواده در هماهنگی یا تطابق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده است (پورتس و هاوول، ۲۰۰۸)؛ به نقل از مجرد کاهانی و قنبری‌هاشم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۰۳). برای سنجش عملکرد خانواده، از پرسشنامه ۶۰ سوالی «FAD» بر مبنای الگوی مک مستر استفاده شده است. در پژوهش حاضر این پرسشنامه به ۴۰ سوال تقلیل داده شد و سعی شد پرسش‌هایی تکراری و تقریباً مشابه حذف شود. سنجش این

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده 127

متغیر، در ۴۰ سنجه به صورت متغیر ترتیبی که طیف سنجش آن شامل: کاملاً مخالف، مخالف، بی نظر، موافق و کاملاً موافق بوده است. بالاترین امتیاز بیانگر «کارایی خانواده، بالا» و پایین ترین امتیاز بیانگر «کارایی خانواده، کمتر» در هر گویه و مجموع متغیر است و دامنه تغییرات آن بین ۴۰-۲۰۰ است.

متغیر وابسته (پرخاشگری): واژه پرخاشگری به معنای رفتاری است که با برانگیختگی هیجانی همراه بوده و دال بر آن دارد که فرد یا افراد نتوانسته‌اند در جامعه سازش یابند و با دیگران کنار آیند. اینگونه افراد زودرنج، متوقع، سختگیر و خشن هستند و دایماً به دنبال آزار رساندن و انتقام از دیگران‌اند. هر چند که در درون خود سرشار از ترس و دلهره هستند، ترس از اینکه مبادا کسی بالادست آنها پیدا شود (نوابی نژاد، ۱۳۹۲: ۴۳). برای سنجش میزان پرخاشگری از پرسشنامه پرخاشگری توسط باس و پری (۱۹۹۲) مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ۱۷ گویه و ۳ مولفه (پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت) آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه ای از کاملاً شبیه فرزندم است (کد ۵)، تا حدودی شبیه فرزندم است (کد ۴)، نه شبیه فرزندم است نه شبیه فرزندم نیست (کد ۳)، تا حدودی شبیه فرزندم نیست (کد ۲)، اصلاً شبیه فرزندم نیست (کد ۱) استفاده شده است.

در این پژوهش از اعتبار محتوایی مبتنی بر آزمون CVR استفاده شده است. برای محاسبه شاخص CVR از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای آزمون مورد نظر استفاده قرار گرفته است. روش کار به این صورت بود که پرسشنامه طراحی شده به ۱۰ نفر از متخصصان داده شد تا هر یک از سؤال‌ها را براساس طیف سه بخشی لیکرت «گویه ضروری است»، «گویه مفید است ولی ضروری نیست» و «گویه ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی کنند. سپس بر اساس فرمول زیر، نسبت روایی محتوا محاسبه شده است. بر این اساس، با استفاده از روش لاوشه مقدار CVR برای هر گویه مورد تایید قرار گرفت. برای سنجش پایایی متغیرهای پژوهش نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است که بدین ترتیب میزان آلفای متغیرهای استفاده از انیمیشن‌های خشونت آمیز، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، کارایی خانواده و پرخاشگری در جدول (۱) به تفکیک نشان داده شده است.

جدول (۱): جدول آلفای کروباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	مولفه	تعداد گویه	میزان الفای کروباخ
استفاده از انیمیشن‌های خشونت‌آمیز	میزان علاقه	۱	-
	میزان استفاده	۳	۰/۷۸
پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده			۰/۷۱
کارایی خانواده			۰/۷۷
پرخاشگری	پرخاشگری فیزیکی	۵	۰/۷۲
	پرخاشگری کلامی	۴	۰/۷۰
	خصوصیت از دیگران	۸	۰/۷۵

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش مبتنی بر سه بخش وضعیت جمعیت‌شناختی، توصیف وضعیت متغیرهای پژوهش و تبیین یافته‌های پژوهش تشریح می‌شود. در این پژوهش محدودیت سنی و جنسیتی اعمال شده است و دامنه سنی کودکان ۶ تا ۹ ساله در شهر قیام‌دشت، شرط لازم برای پژوهش حاضر بوده است. دلیل انتخاب این گروه سنی بدین شرح است که اولاً بیشترین تماشاکنندگان انیمیشن هستند، ثانیاً بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و ثالثاً نقش خانواده نیز در این دوره بر رفتار کودکان حائز اهمیت است. یافته‌ها بیانگر آن است دانش‌آموزانی که ۶ سال سن داشتند ۲۳ درصد، دانش‌آموزان ۷ ساله ۳۰ درصد، دانش‌آموزان ۸ ساله ۲۱ درصد و دانش‌آموزان ۹ ساله ۲۴ درصد بوده‌اند. همچنین از لحاظ جنسیتی نیز محدودیت در نظر گرفته شده است. به این معنا که ۵۰ درصد (۱۷۶ نفر) از نمونه‌های پژوهش دختر و ۵۰ درصد (۱۷۶ نفر) پسر بوده‌اند. این نسبت به صورت عمدی در نظر گرفته شده و ارتباطی به میزان دانش‌آموزان و کودکان سنین ۶-۹ ساله ندارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که تحصیلات پدر بیانگر آن است که بیشترین فراوانی با ۳۲ درصد (۱۲۱ نفر) مربوط به تحصیلات مقطع کارشناسی بوده است و تنها ۱ درصد از پدران دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در بین نمونه‌های پژوهش هستند. همچنین یافته‌های حاصل از توزیع نمونه‌ها بر حسب سطح تحصیلات مادر بیانگر آن است که بیشترین فراوانی با ۲۶ درصد (۹۳ نفر) مربوط به تحصیلات مقطع کارشناسی بوده است. ۷ درصد از مادران در نمونه‌های پژوهش دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی هستند. بر این اساس شاهد افزایش بسیار زیاد از سطح تحصیلات در کشور هستیم. زیرا در دهه‌های اخیر (۱۳۷۵) سطح

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده129

تحصیلات در شهر تهران ۷ درصد کارشناسی، و ۲ درصد ارشد و دکتری بوده اند (آملیان، ۱۳۷۵). لذا والدین این کودکان از لحاظ تحصیلی در سطح بالایی قرار دارند که به نظر می رسد بر رفتار کودکان تأثیر گذار باشد. یافته های حاصل از توزیع نمونه ها نیز بر حسب میزان درآمد خانواده که بیانگر آن است که بیشترین فراوانی (۱۸۸ نفر) مربوط به ۶ تا ۸ میلیون تومان در ماه و میانگین آن ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بوده است. این درآمد نسبت به سرانه درآمدی کشور و نسبت به سرانه درآمدی استان تهران پایین تر است. زیرا سرانه درآمد کشور در حدود ۶ میلیون برای هر خانواده بوده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸). میانگین تعداد اعضای خانواده مطابق آمار ۱۳۷۵ برابر ۵/۲ نفر بوده است. خانواده ۲ نفره شامل ۶/۱ درصد، خانواده ۳ نفره ۳۷/۶ درصد، خانواده ۴ نفری ۳۸/۹ درصد، خانواده ۵ نفره نیز ۱۴/۵ درصد و خانواده ۶ نفره و بالاتر نیز شامل ۲/۹ درصد می باشد. و از لحاظ تعداد فرزند، ۱۳/۹ درصد فرزنددار نبوده است. ۲۶/۳ درصد یک فرزند، ۴۳/۷ درصد ۲ فرزند، ۹/۷ درصد نیز ۳ فرزند، و ۶/۳ درصد ۴ فرزند و ۵ فرزند بوده است. در حالی که در پژوهش حاضر میانگین اعضای خانواده ۳/۸ بیان شده است. یافته های پژوهش حاضر بیانگر آن است که بیشترین فراوانی دو فرزند (۲۴ درصد) و یک فرزند (۲۰ درصد) بوده است. همچنین کمترین نیز مربوط به طبقه ۶ فرزند (۴ درصد) است که کاهش زاد ولد در کشور را نشان می دهد. یافته های مربوط به فرضیه ها نشان می دهد میزان استفاده از انیمیشن های خشونت آمیز با میانگین ۳.۲ با مد ۴ و میانه ۳ بوده است، انحراف معیار آن ۰/۷ و واریانس آن ۰/۵ بوده است، چولگی آن منفی (۱/۲-) و کشیدگی آن مثبت (۱/۴) بوده است. نمونه های پژوهش از نظر میزان تماشای کارتون و انیمیشن بیشتر در حدود ۲ ساعت (۳۲ درصد) بوده است. یک درصد از این نمونه ها اصلاً کارتون و انیمیشن را نگاه نمی کنند، ۲۹ درصد در حدود یک ساعت نگاه می کنند، ۲۵ درصد در حدود ۳ ساعت، ۹ درصد نیز ۴ ساعت و یا بیشتر از ۴ ساعت نگاه می کنند. میزان علاقمندی به انیمیشن ها نیز در بین نمونه های پژوهش قابل توجه است به این معنی که ۱۰ درصد علاقه کمی دارند و ۱۵ درصد در حد متوسط علاقه دارند ولی ۷۲ درصد علاقه زیاد و بسیار زیادی دارند. در واقع انیمیشن هایی که کودکان در شبکه نهال می بینند شامل صلح بانان، ماداگاسکار، شجاعان و افسانه سه برادر است که ۷۹ درصد از آنان انیمیشن ماداگاسکار را نگاه می کنند، ۵۶ درصد نیز افسانه سه برادر، ۳۱ درصد شجاعان و ۲۹ درصد صلح بانان را تماشا می کنند.

میزان علاقه به انیمیشن‌های خشونت آمیز با میانگین ۳.۳ با مد ۴ و میانه ۳ بوده است، انحراف معیار آن ۰/۶ و واریانس آن ۰/۶ بوده است، چولگی آن منفی (۰/۵-) و کشیدگی آن مثبت (۲/۲) بوده است. به طوری کلی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان استفاده از انیمیشن‌ها (۳.۲) و میزان علاقه به این انیمیشن‌ها (۳.۳۶) در حد متوسط بوده است. ولی آنچه از این یافته‌ها مشهود است میزان علاقه بیشتر از میزان استفاده کودکان بوده است که یافته‌ها بیانگر آن است که والدین در بسیاری موارد مانع تماشای زیاد آن می‌شوند. پایگاه اقتصادی و اجتماعی دارای میانگین ۴ با مد و میانه ۴ می‌باشد، انحراف معیار آن ۰/۸ و واریانس آن ۰/۶ می‌باشد، چولگی آن منفی (۰/۶-) و کشیدگی آن مثبت (۱/۵) بوده است. یافته‌های مبتنی بر پرخاشگری در بین کودکان نیز بیانگر آن است که پرخاشگری (پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کلامی) است. تقریباً این یافته تأییدی بر یافته‌های پژوهش هلن‌نیک بخش (۱۳۸۹) است که خشونت خصومت از دیگران و خشونت کلامی در بین کودکان بیشتر از خشونت فیزیکی است.

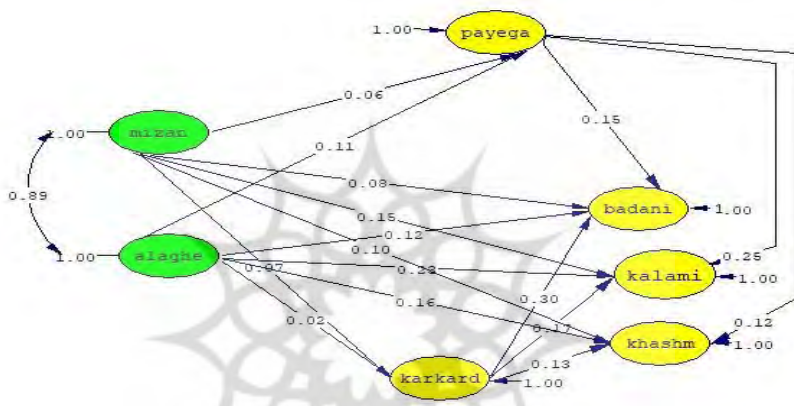
برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، لازم است که ابتدا به بررسی نرمال بودن متغیرها پرداخته شود. آزمون نرمال برای متغیرهای پژوهش: برای بررسی توزیع متغیرهای مشاهده شده، ۷ متغیر با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف سنجیده شده‌اند. طبق نتایج آزمون، سطح معنی‌داری (sig) محاسبه شده برای همه شاخص‌ها بزرگتر از 0.05 است که از نرمال بودن توزیع هر یک از متغیرهای مشاهده شده حمایت شده است. نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای مشاهده شده در جدول (۲) ارائه شده‌اند.

جدول (۲) آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای تحقیق

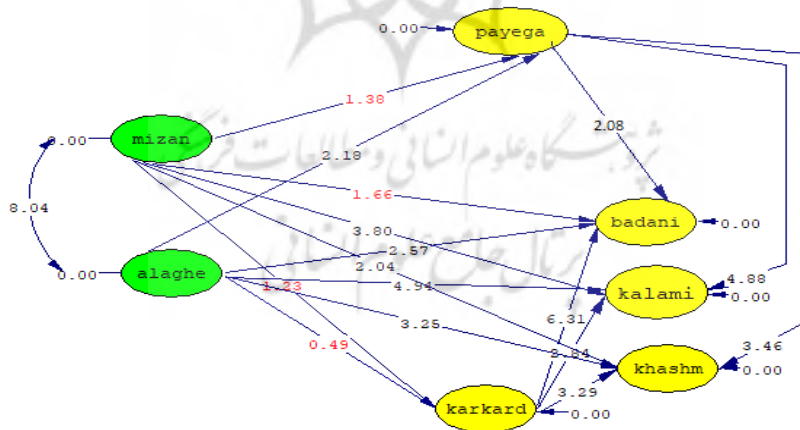
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	Z کولموگروف-اسمیرنوف	P-value
میزان استفاده	۳.۲۸	.۷۳۶	۱/۱۹۸	۰/۱۰۱
میزان علاقه	۳.۳۶	.۶۱۹	۱/۴۶۱	۰/۳۰۱
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۴.۰۲	.۸۰۵	۱/۲۰۴	۰/۳۲۴
کارایی خانواده	۳.۷۵	.۷۴۵	۱/۳۰۲	۰/۲۶۵
پرخاشگری فیزیکی	۳.۰۵	.۴۲۳	۱/۱۱۵	۰/۵۶۴
پرخاشگری کلامی	۳.۱۶	.۷۷۱	۱/۵۴۷	۰/۳۱۵
خصومت از دیگران	۳.۳۱	.۵۲۷	۱/۳۶۷	۰/۲۴۱

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پر خاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده131

آزمون فرضیه های پژوهش: این پژوهش دارای ۸ فرضیه بوده است که برای آزمون فرضیه ها بر مبنای معادلات ساختاری، ابتدا آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای توزیع نرمال گرفته شد و یافته های آن با توجه به حجم آن قابل آشکار شدن نیستند؛ ولی بیانگر توزیع نرمال هستند. بنابراین با نرم افزار LISREL، فرضیه ها بر مبنای مدل ساختاری مورد آزمون قرار گرفتند.



شکل (۲): مدل پژوهش در خصوص روابط بین متغیرها در حالت استاندارد



شکل (۳): مدل پژوهش روابط معناداری بین متغیرهای پژوهش در حالت t-value

۱۳۲... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

بر اساس جدول (۴)، ضرایب سطح معناداری^۱ نشان‌دهنده معناداری روابط بین متغیرها است. اگر این ضرایب بین ۱/۹۶ - تا ۱/۹۶ باشند، نشان‌دهنده عدم توانایی شاخص در اندازه‌گیری متغیر مربوطه هستند. سایر مقادیر مدل نهایی در جدول (۳)، قابل مشاهده است.

جدول (۳): مقادیر مدل نهایی

نتیجه	سطح معناداری ^۲	میزان معناداری	مقدار واریانس تبیین شده ^۳	مقدار استاندارد شده	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
رد فرضیه	$P \geq 0.01$	۱.۳۸	۰/۱۰	۰/۰۶	پایگاه اقتصادی و اجتماعی	میزان تماشای انیمیشن
رد فرضیه	$P \geq 0.01$	۱.۲۳	۰/۰۸	۰/۰۷	کارایی خانواده	
رد فرضیه	$P \geq 0.01$	۱.۶۶	۰/۳۷	۰/۰۸	پرخاشگری فیزیکی	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۳.۸۰	۰/۴۴	۰/۱۵	پرخاشگری کلامی	
تأیید فرضیه	$P < 0.05$	۲.۰۴	۰/۲۹	۰/۱۰	خصوصیت از دیگران	میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن
تأیید فرضیه	$P < 0.05$	۲.۱۸	۰/۱۰	۰/۱۱	پایگاه اقتصادی و اجتماعی	
رد فرضیه	$P \geq 0.01$	۰/۴۹	۰/۰۸	۰/۰۲	کارایی خانواده	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۲.۵۷	۰/۳۷	۰/۱۲	پرخاشگری فیزیکی	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۴.۹۴	۰/۴۴	۰/۲۲	پرخاشگری کلامی	کارکردهای خانواده
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۳.۲۵	۰/۲۹	۰/۱۶	خصوصیت از دیگران	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۶.۳۱	۰/۳۷	۰/۳۰	پرخاشگری فیزیکی	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۲.۸۴	۰/۴۴	۰/۱۷	پرخاشگری کلامی	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۳.۲۹	۰/۲۹	۰/۱۳	خصوصیت از دیگران	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
تأیید فرضیه	$P < 0.05$	۲.۰۸	۰/۳۷	۰/۱۵	پرخاشگری فیزیکی	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۴.۸۸	۰/۴۴	۰/۲۵	پرخاشگری کلامی	
تأیید فرضیه	$P < 0.01$	۳.۴۶	۰/۲۹	۰/۱۲	خصوصیت از دیگران	

فرضیه (۱) با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد.

1 T-value

2 R2

3 T-value

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده133

با توجه به برآورد استاندارد متغیر میزان تماشای انیمیشن که بر پرخاشگری فیزیکی $0/08$ و با مقادیر $T = 1/66$ می توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری $P < 0.01$ و $P < 0.05$ معنادار نشده است. بنابراین این فرضیه از پژوهش رد می شود یعنی افزایش میزان تماشای انیمیشن، تأثیر مستقیمی در تمایل به پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت ندارد. ولی تأثیر غیرمستقیم میزان تماشای انیمیشن، بر پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در سطح اطمینان $0/99$ معنادار است.

فرضیه ۲) با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.

با توجه به برآورد استاندارد متغیر میزان تماشای انیمیشن که بر پرخاشگری کلامی که $0/15$ و با مقادیر $T = 3/80$ می باشد می توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری $P < 0.01$ معنادار شده است. بنابراین این فرضیه از پژوهش تأیید می شود که با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد. همچنین تأثیر غیرمستقیم میزان تماشای انیمیشن، بر پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در سطح اطمینان $0/99$ معنادار است.

فرضیه ۳) با افزایش میزان تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.

با توجه به برآورد استاندارد متغیر میزان تماشای انیمیشن که بر احساس خصومت $0/10$ و با مقادیر $T = 2/04$ می باشد می توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری $P < 0.05$ معنادار شده است. بنابراین این فرضیه از پژوهش تأیید می شود که با افزایش میزان تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد. همچنین تأثیر غیرمستقیم میزان تماشای انیمیشن، بر احساس خصومت نسبت به دیگران در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در سطح اطمینان $0/99$ معنادار است.

فرضیه ۴) با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد.

با توجه به برآورد استاندارد متغیر میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن که بر پرخاشگری فیزیکی ۰/۱۲ و با مقادیر $T = ۲/۵۷$ می‌توان نتیجه گرفت در سطح معنی‌داری $P < 0.01$ معنادار شده است. بنابراین این فرضیه از پژوهش تأیید می‌شود یعنی با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد. همچنین تأثیر غیرمستقیم میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، بر پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است.

فرضیه ۵) با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد.

با توجه به برآورد استاندارد متغیر میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن که بر تمایل به پرخاشگری کلامی ۰/۲۲ و با مقادیر $T = ۴/۹۴$ می‌توان نتیجه گرفت در سطح معنی‌داری $P < 0.01$ معنادار شده است. بنابراین این فرضیه از پژوهش رد می‌شود یعنی با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل به پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد. همچنین تأثیر غیرمستقیم میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، بر پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است.

فرضیه ۶) با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد.

میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن دارای برآورد استاندارد ۰/۱۶ بر احساس خصومت با مقدار t برابر ۳/۲۵ در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار شده است به این معنی این فرضیه از پژوهش تأیید می‌شود که با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد. همچنین تأثیر غیرمستقیم میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، بر احساس خصومت نسبت به دیگران در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است.

فرضیه ۷) پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی خانواده کودکان بیننده انیمیشن‌های خشونت‌آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه دارد.

135.....تأثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده

با توجه به برآورد استاندارد متغیر پایگاه های اقتصادی- اجتماعی خانواده که بر پرخاشگری کودکان سنجش شده است، پرخاشگری کودکان در سه مؤلفه «پرخاشگری فیزیکی»، «پرخاشگری کلامی» و «خصومت از دیگران» به ترتیب ۰/۱۵، ۰/۲۵ و ۰/۱۲ می باشند و به ترتیب دارای مقادیر $T=۲/۰۸$ ، $T=۳/۸۸$ و $T=۳/۴۶$ می توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری $P<0.01$ ، پایگاه های اقتصادی- اجتماعی خانواده کودکان بیننده انیمیشن های خشونت آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه دارد. وضعیت هر کدام از مؤلفه ها به تفکیک در جدول (۵) بیان شده است.

فرضیه ۸) کارکرد خانواده کودکان بیننده انیمیشن های خشونت آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه دارد.

با توجه به برآورد استاندارد متغیر کارکردهای خانواده که بر پرخاشگری کودکان سنجش شده است، پرخاشگری کودکان در سه مؤلفه «پرخاشگری فیزیکی»، «پرخاشگری کلامی» و «خصومت از دیگران» به ترتیب ۰/۳۰، ۰/۱۷ و ۰/۱۳ می باشند و به ترتیب دارای مقادیر $T=۲/۸۴$ ، $T=۶/۳۱$ و $T=۳/۲۹$ می توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری $P<0.01$ ، کارکرد خانواده کودکان بیننده انیمیشن های خشونت آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه دارد. وضعیت هر کدام از مؤلفه ها به تفکیک در جدول (۵) بیان شده است.

برازش مدل به این معنی است که ماتریس واریانس - کوواریانس مشاهده شده یا ماتریس واریانس کوواریانس پیش بینی شده توسط مدل باید مقادیری نزدیک به هم یا اصطلاحاً برازش داشته باشند. هر چه مقادیر ما در دو ماتریس به هم نزدیکتر باشند، مدل دارای برازش بیشتری است. در مدل یابی معادلات ساختاری، هنگامی می توانیم به برآوردهای مدل اعتماد کنیم که مدل دارای برازش کافی است. در واقع شاخص های نیکویی برازش ناشی از تحلیل عامل تأییدی گویه های پژوهش به شرح جدول (۴) است.

جدول (۴): شاخص های برازش متغیرهای پژوهش

شاخص ها	مقدار کسب شده	مقدار قابل قبول	وضعیت
GFI	۰.۹۲۷	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
AGFI	۰.۹۷۱	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
CFI	۰.۹۶۸	بین ۰/۹۰ و ۱	برازش مطلوب
CMIN/df	۱.۴۴	مقدار کمتر از ۳	برازش مطلوب

با توجه به جدول فوق کلیه شاخص‌های مورد بررسی به منظور ارزیابی برآزش مدل عاملی تاییدی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. با توجه به این مطلب می‌توان بیان نمود که برآزش این مدل تایید شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای آنچه از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف یافته‌های پژوهش فولادی راد (۱۳۹۱)، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش میزان تماشای انیمیشن، ارتباطی با تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت ندارد. یعنی با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی افزایش نمی‌یابد. البته پژوهش فولادی راد (۱۳۹۱) از دیدگاه مربیان مدارس و مشاوران کلینیکی صورت یافته است که ممکن است دیدگاه مربیان و مشاوران نسبت به دانش‌آموزان دارای خطا باشد. ولی همسو با یافته‌های پژوهشی سینگر و همکارانش (۲۰۱۹)، تأثیر غیرمستقیم میزان تماشای انیمیشن، بر پرخاشگری فیزیکی تأثیرگذار است. همسو با پژوهش کریمی و قویمی (۱۳۹۶) باید گفت که با افزایش میزان تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد و تأثیر غیرمستقیم تماشای انیمیشن‌ها، بر پرخاشگری کلامی کودکان تأثیرگذار است. بنابراین باید گفت که خشونت‌های مکرر در برنامه‌های تلویزیونی، ممکن است حساسیت کودک را به خشونت از بین ببرد و رفتارهای پرخاشگرانه را طبیعی و قابل قبول جلوه دهد. بنابراین، مشاهده خشونت در تلویزیون، باعث از بین رفتن حس‌بازداری کودک نسبت به اعمال پرخاشگرانه می‌شود و ممکن است کودک در تعامل با دیگران، به راحتی به خشونت متوسل شود. کودکانی که شاهد برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی هستند، با دوستان خود درباره این برنامه‌ها در مدرسه گفت‌وگو می‌نمایند و به تدریج خشونت را به عنوان راهی حل مشکلات می‌پذیرند؛ برای مثال، به هم‌کلاسی‌های خود صدمه می‌زنند، بحث و جدل می‌کنند، از قواعد کلاس پیروی نکرده، برای آنچه می‌خواهند، بردباری کمتری از خود نشان می‌دهند. یعنی علاوه بر الفاظ رکیک و درگیری‌های فیزیکی که در این انیمیشن‌ها برای کودکان ارائه می‌شود ایجاد نوعی خصومت درونی در کودکان را پرورش می‌دهد چنانچه یافته‌های پژوهش همسو با پژوهش مریم حسینی انجدانی (۱۳۹۰)، این مورد را تأیید می‌کند که با افزایش

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پرخاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده137

میزان تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان افزایش می یابد. نتیجه این پژوهش همسو با یافته های پژوهش رحیم زاد جدا (۱۳۹۵) بوده است.

همچنین تأثیر غیرمستقیم میزان تماشای انیمیشن، بر احساس خصومت نسبت به دیگران در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت مشاهده شده است. در واقع با میزان تماشای این برنامه ها، خشونت بیشتر تکرار می شود. تکرار خشونت در برنامه های رسانه ای، باعث می شود کودک خشونت را یاد گیرد و با تقلید، آن را به دنیای واقعی خود منتقل کند. روان شناسان از این مسئله با عنوان «رفتار پاسخ» نام می برند. به سهولت می توان دریافت که چگونه تکرار تبلیغات خشن در رسانه ها، به بروز احساسات خصمانه، انتظار رفتارهای تهاجمی از دیگران، حساسیت زدایی درباره رنج دیگران و اعمال خشونت بر آنان می انجامد. علاوه بر این با افزایش یا کاهش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت تغییری نمی کند. یعنی «با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش نمی یابد». همچنین تأثیر غیرمستقیم میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، بر پرخاشگری فیزیکی در بین کودکان تاثیر گذار است. که این تأثیر غیرمستقیم مهر تأییدی بر یافته های پژوهش هلن نیک بخش (۱۳۸۹) است. در واقع میزان علاقه باعث می شود که کودکان به طور مستقیم از آنچه بر صفحه تلویزیون می بینند، الگوگیری کنند و یا آن را به ذخیره الگوهای رفتاری خویش می افزایند. امروزه کودکان در جامعه ای زندگی می کنند که ساختار روانی و فرهنگی و سیاسی آن، تفاوت های ویژه خردسالان را با شرایط زندگی بزرگسالان محترم نهم شده و برای آن ارزش و اعتبار خاصی قائل نیست. وقتی دریچه های جهان بزرگسالان با همه ویژگی های آن به روی اطفال خردسال باز می شود، طبیعی و بدیهی است که همه چیز، از جمله ارتکاب به جرایم مردانه، مورد تقلید کودکان قرار می گیرد.

برخلاف یافته های پژوهشی هلن نیک بخش (۱۳۸۹)، «با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل پرخاشگری کلامی در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می یابد». یعنی با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، تمایل به پرخاشگری کلامی افزایش می یابد. ولی همسو با یافته های پژوهشی کریمار و ویرا (۲۰۱۸) تأثیر غیرمستقیم میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، بر پرخاشگری کلامی در بین کودکان قابل مشاهده است. براساس پژوهش کریمی و قویمی (۱۳۹۶) و

پژوهش رحیم زاد جدا (۱۳۹۵) می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت افزایش می‌یابد. یعنی با افزایش میزان علاقمندی به تماشای انیمیشن، احساس خصومت در بین کودکان را افزایش می‌دهد و به همین نسبت تأثیر غیرمستقیم سبب افزایش احساس خصومت کودکان نسبت به دیگران می‌شود.

از یافته‌های پژوهش فاضل (۱۳۸۷) می‌توان نتیجه گرفت که پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی خانواده کودکان بیننده انیمیشن‌های خشونت‌آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه معکوس دارد. پرخاشگری کودکان در سه مؤلفه «پرخاشگری فیزیکی»، «پرخاشگری کلامی» و «خصومت از دیگران» به ترتیب ۰/۱۵، ۰/۲۵ و ۰/۱۲ هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی خانواده کودکان بیننده انیمیشن‌های خشونت‌آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه معکوس دارد. نکته قابل توجه آن است که یافته‌های پژوهش حاضر برخلاف نتایج یافته‌های پژوهشی هلن نیک بخش (۱۳۸۹) است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کارکرد خانواده کودکان بیننده انیمیشن‌های خشونت‌آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد خانواده کودکان بیننده انیمیشن‌های خشونت‌آمیز با پرخاشگری کودکان ۶ تا ۹ ساله شهر قیامدشت رابطه معکوس دارد. لازم است برای کاهش میزان پرخاشگری کودکان، علاوه بر آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس و بویژه از سنین ابتدایی توسط وزارت آموزش و پرورش کشور؛ نظارت والدین نیز به منظور پیشگیری از تأثیر فیلم‌های خشونت‌آمیز بر کودکان افزایش یابد. بنابراین لازم است که به والدین آموزش‌های لازم جهت کاهش میزان پرخاشگری ناشی از تماشای انیمیشن‌های خشونت‌آمیز داده شود. تا از این طریق کودکان از آسیب‌های احتمالی محتوای برنامه‌های تلویزیونی و همچنین سی‌دی‌های خریداری شده از فروشگاه‌ها مصون بمانند.

منابع

- بی، ارل (۱۳۹۱)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، مترجم: رضا فاضل، تهران، سمت.
- حسینی انجدانی، مریم (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان، فصلنامه پژوهش و سنجش، ۱۵(۵۴)، ۸۱-۹۹.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۷)، نظرسنجی از کودکان درباره برنامه‌های صدا و سیما در فصل زمستان ۱۳۸۶، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.

تاثیر انیمیشن های خشونت آمیز بر پر خاشگری کودکان با میانجی گری نقش خانواده139

رحیم زاد جدا، سعید(۱۳۹۵)، بررسی نقش رسانه های جمعی (با تاکید بر تلویزیون) در الگوپذیری و رفتار کودکان و نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه.

سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۹۴). نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، انتشارات دانشگاه تهران. عظیمیان زواره، سمیرا(۱۳۹۶)، معرفی الگوی ساخت انیمیشن های آموزشی و سرگرم کننده تلویزیونی برای کودکان: مطالعه موردی شبکه پی بی اس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، دانشکده سینما و تئاتر. فاضل، رضا(۱۳۸۷)، رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید و توسل به آن در کودکان، فصلنامه پژوهش و سنجش، ۱۵(۵۴)، ۳۳-۵۷.

فولادی راد، فرزاد(۱۳۹۱)، بررسی رابطه خشونت تلویزیونی با خشونت واقعی در میان کودکان، فصلنامه مطالعات رسانه ای، ۷(۳)، ۱۲۱-۱۳۳.

کارلسون، اولاف؛ فایلیتزن، سیسیلیان. (۱۳۹۰)، کودکان و خشونت در رسانه های جمعی، ترجمه مهدی شفقتی، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.

مجرد کاهانی، امیرحسین و قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی (۱۳۹۰)، ارزیابی اثربخشی مداخلات آموزشی روانی گروهی بر عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلالات خلقی. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۳)، ۳۹۹-۴۱۲. نوابی نژاد، شکوه (۱۳۹۲)، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و راه های پیشگیری و درمان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

نیک بخش، هلن (۱۳۵۲)، میزان تاثیر تلویزیون بر رفتار خشونت آمیز در میان دانش آموزان مناطق ۲ و ۱۵ شهر تهران، استاد راهنما: سید محمد دادگران، استاد مشاور: صادق زیبا کلام، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

Bandura, A. (1982). The psychology of chance encounters and life paths. *American Psychologist*, 37, 747-755.

Berkowitz, L., Leyens, J.P., Camino, L., Parke, R.D. (1984). Effects of movie violence on aggression in a field setting as a function of group dominance and cohesion. *Journal of Personality and Social Psychology*, 32, 346-360.

Christine M. (2013), The family and drug addiction. United nations office on Drugs and crime, Ministry of Social Justice and Empowerment;

Christine M. (2013), The family and drug addiction. United nations office on Drugs and crime, Ministry of Social Justice and Empowerment;

Singer, M., Slovak, K., Frierson, T., York, P. (2019). Viewing Preferences, Symptoms of Psychological Trauma, and Violent Behaviors Among Children Who Watch Television. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry* Volume 37, Issue 10. 62-84.